

يا بادع الاكوان و بارئ الانسان و ذارئ الامكان انت المنان انت الرحمن ...

حضرت عبدالبهاء

نسخه اصل فارسی



از الواح حضرت عبدالبهاء - بر اساس نسخه موجود در "کتابخانه آثار بهائی" در مرکز جهانی بهائی

- شماره ۱۱۶۳

بواسطه جناب افنان سدره مبارکه آقا میرزا هادی
آباده همت آباد کوشکیک وزیرآباد

احبای الهی علیهم بهاء الله الابهی جناب آقا میرزا علیخان جناب آقا میرزا یوسفخان و اخوانشان جناب مشهدی غلامرضا جناب مشهدی محمدصادق جناب کربلائی کریم جناب آقا علی اخوی ایشان جناب علی میرزا جناب آقا فتح الله جناب مشهدی شکرالله جناب آقا مشهدی حسنعلی مع انجالشان جناب استاد رضا مع انجالشان جناب استاد هاشم مع انجالشان جناب آقا سید علی جناب عبد الرسول جناب استاد غلامحسین بنا جناب حسین جناب کربلائی علی جناب آقا نصرالله جناب مشهدی محمدعلی جناب عبد الحسین جناب غلامرضا جناب کربلائی اکبر

هو الله

يا بادع الاكوان و بارئ الانسان و ذارئ الامكان انت المنان انت الرحمن ليس لك نظير في ذاتك المقدس عن عرفان زمر البيان و اهل التبيان المتفرد بالاسماء و الصفات المستدعية لظهور الكمالات و وجود الكائنات في حيز الشهود بالرّفد المرفود ترى يا الهی عبادك المخلصين و رجالك المقربين و عبيدك المنجدين بنفحات قدس و انفاس طيب عبقت في مشارق الارض و مغاربها فتعطرت منها الآفاق باسرها ربّ انهم خدمة امرک و سفرة زبرک و بررة عبادک و خزنة اسرارک قد اقبلوا اليک بوجوه نورا و اعين ناظرة الى ملكوتک الابهی و آذان واعية صاغية للنداء و قلوب طافحة بصهباء حبک بين ملاء الانشاء ربّ اجعلهم امواج بحر الهدى و افواج الملاء الاعلى و جنود الحيات و جيوش النجات و ايدهم في كلّ حين بقوة نافذة في حقائق الاشياء و قدرة محيطة على القلوب و الاحشاء انک انت المقتدر على ما تشاء و انک انت العزيز المهيمن المحبوب

ای اهل وفا و یاران جمال ابهی جناب آقا نصرالله نامہ ننگاشته و علم محامد و نعوتی افراشته کہ یاران آندیار یاورانند و دوستان آن اقلیم اشجار بوستان جنت نعم بذكر حق محفل آریند و بستایش موجد آفرینش نغمه و آهنگ بسریند جز بنفحات قدس نیاسیند و زبانرا بذكر دون خیر نیالیند تأسیس مشرق الاذکار خواهند و بنیان مسافرخانه نهند مانند دریا



ORIGINAL

پر جوش و خروشنند و از جام لبریز محبت الله مست و مدهوش این خبر چنان اثر کرد که انجمن رحمانی بوجد و طرب آمد و ضجیح تهلیل و تکبیر گوشزد قریب و بعید شد که الحمد لله جمال ابهی را یاران باوفا و درگاه احدیت را عبادی صابر بر بلا و جفا دمبدم جوشی تازه زند و خروشی بی اندازه برآوردند جز رضای حق مقصدی ندارند و بجز نشر نفعات آرزویی نخواهند نهایت آمال انجذاب بانوار جمال است و اشتعال بنار محبت ذی الجلال

باری ای یاران امروز روز فیروز است و ایام حضور و بروز هر یک از احبای الهی باید آگاهی طلبد و بحکمت بتبلیغ پردازد احیاء نفوس کند و ببیان برهان مانوس گردد اگر چنانچه هر نفسی از احباً در سالی یکشخص زنده نماید و بنسیم جنت ابهی تر و تازه فرماید ایامی نگردد الا آنکه مشاهده نمایند که کشور معطر گشته و اقلیم جنت النعم شده سرور و حبور احاطه نموده و مرغان چمن نغمه سروده نشئه دیگر حاصل گردد جهان جهان دیگر شود ولی باید در نهایت حکمت بتبلیغ پرداخت و اگر نفسی شخصیرا بنور هدی مهتدی نمود بقدر امکان مکتوم دارد و آنشخص مکتوم بهدایت دیگری پردازد و مستور دارد مقصود این است که بسیاری از نفوس نهایت آرزوی دخول در ملکوت دارند ولی از شهرت و شیوع اندیشه نمایند زیرا احبای الهی بمجرد اقبال نفسی با طبل و دهل ایمان و ایقان او اعلان کنند باری بحسن تدبیر پردازید و قلوب تطهیر کنید و چنان رفتار نمائید که بحسن تدبیر شهیر آفاق شوید اگر چنانکه حسب المرقوم معمول گردد یعنی هر نفسی که دیگررا تبلیغ نماید مبلغ احبای سائره را ذکر نکند و همچنین آن شخص مهتدیرا مکتوم و مستور دارد بهیچوجه فزع و ضوضا نگردد و خفته گان فراش غفلت از امور یاران خبر نگیرند و عاقبت مبهوت و حیران شوند و من از فضل و موهبت پروردگار امیدوارم که یاران باین ترتیب شب و روز بکوشند آرام نگیرند فراغت نخواهند تا آنکه جهان ظلمانی نورانی شود و احزاب مختلفه در ظل کلمه واحده محشور گردند بغض و عدوان نماند بیگانه و اغیار ندانند بلکه جمیع ملل و مذاهب را بنهایت محبت و مهربانی یار و آشنا دانند و باین قاعده مثنی و حرکت کنند

الهی الهی آید احبائک علی نشر نفعاتک و قواصفیائک علی اعلاء کلمتک و اقامة حججک و برهانک انک انت القوی
العزیز المقتدر العظیم لا اله الا انت الخالق الباعث السلام المهیمن القیوم ع ع